

آیین‌های نوروزی و همبستگی ملی

دکتر سیدرضا صالحی امیری^۱
نیلوفر صمیمی^۲

چکیده

جشن‌ها و ویژگی مشترک تمامی فرهنگ‌ها می‌باشند. در اصل جشن برپایی مراسم نیایش و سپاس به مناسبت یک پیروزی یا واقعه اجتماعی یا یک معجزه آسمانی است که برای اجتماع منافی دارد. نوروز جشن ملی و آیین کهنی است که در گذرگاه هزاره‌ها و در دوران مختلف این سرزمین برترین نمادهای انسانی و فرهنگی را در خویش گنجانده و آنچنان در ناخودآگاه فرهنگی این سرزمین ریشه دوانده که هیچ برشی از تاریخ ایران، توان انحصار آن را ندارد. نوروز به عنوان کهن‌ترین و برترین نماد فرهنگی ایران، آیینی مورد قبول و خوشایند برای تمام اقلیت‌های ایرانی است و به همین دلیل در مقوله نظم فرهنگی و انسجام اجتماعی می‌تواند کارکرد مفیدی در جهت نزدیکی اقوام ایرانی و همبستگی ملی ایجاد کند. در این مقاله به چیستی جشن نوروز و جایگاه اسطوره‌های تاریخی نظیر تخت جمشید در آیین‌های نوروزی پرداخته شده است. روش تحقیق در این مقاله، اسنادی (کتابخانه‌ای) بوده است.

کلیدواژه‌ها: نوروز، تخت جمشید، همبستگی ملی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه

۲. پژوهشگر ارشد

مقدمه

نوروز، جشن طبیعت، جشن آفرینش، جشن پیروزی نور بر ظلمت و گسترش بنیادها و عناصر مدنیت بوده است. نوروز در واقع جشن دوران طلایی ایران اسطوره‌ای بود که در آن نه گرما، نه سرما، نه بیماری، نه رشک و نه مرگ از هیچ‌کدام نشانی نبود. اما از جنبه‌ای دیگر نوروز نماد هویت فرهنگی و مرکزیت سیاسی این سرزمین نه تنها بر فلات بلکه بر تمدن‌ها و قلمروهای پیرامونی آن بوده است. نوروز علاوه بر اینکه در قالب آیین‌های مختلف دوران گوناگون فرهنگ این سرزمین هر بار به شکلی تجلی می‌یافته اما در کلیت پیامی واحد داشته و شاکله فرهنگی این سرزمین را حتی در بعد سیاسی انسجام می‌بخشید که به‌خصوص این مرکزیت و انسجام‌بخشی قدرتمند را از زمان امپراطوری هخامنشی شاهدیم.

ماهیت جشن‌های نوروزی



جشن‌ها عموماً پس از دوره‌های ممنوعیت به وجود می‌آیند. پس از حالت پریشانی و هرج و مرج و بعد از رسیدن به حالت نظم و آرامش برگزار می‌شوند و طلیعه پایان آن حالت را نوید می‌دهند. ممنوعیت یعنی کمبود و نبود، یعنی اسارت و بسته بودن و در مقابل آن جشن مفهوم فراوانی، هستی‌بخشی، باز بودن و آزادگی را در خود دارد. جشن‌ها در خود معنای ضدشیطانی را حمل می‌کنند زیرا

شیاطین دشمنان شادی و آرامش هستند. جشن‌ها همواره آفرینش را تجدید و امید به

فرجام و دست یافتن دوباره به بهشت گمشده را در دل‌ها می‌پرورند. جشن نوروز در اساطیر ایران دارای ارزشی سیاسی است و به مرحله اساطیری استقرار شهریاران کیانی در فلات ایران باز می‌گردد. جمشید، شهریار آرمانی یا سرنمونه‌ای^۱ از شهریاران ایرانی است. او با بر تخت نشستن خود در نوروز تأسیس‌کننده ایده سیاسی ایران به شمار می‌رود. اگرچه نوروز به عنوان جشن اعتدال بهاری علاوه بر سابقه آن در فلات ایران از میان رودان به ایران نفوذ کرده اما در ایران بنا بر نیازهای اسطوره‌شناسی سیاسی بازسازی شده است. (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۴۶-۱۴۵ و ۱۴۸)

برگزاری جشن نوروز در تخت جمشید و دربار هخامنشی این جشن را به یک نمایش سیاسی عظیم تبدیل می‌کرد. تخت جمشید پایتخت آیینی بوده که در آن ملت‌های امپراطوری گرد هم می‌آمدند تا وفاداری و اتحاد خود را با پادشاه نشان دهند. در کاخ صدستون این مراسم در مقابل پادشاه هخامنشی که در مرکزیت قدرت و نماد برکت‌بخشی این سرزمین بود، اجرا می‌شد. نوروز از جنبه سیاسی در ایران نماد تمرین «آفرینش و فرجام» است. یعنی آنچه در تخت جمشید هر ساله برگزار می‌شد و ایده و بنیان نظام سیاسی هخامنشی بود. نوروز در مراسم جانبی و عمومی خود در خارج از حوزه قدرت سیاسی نیز ایده آفرینش و فرجام را با مناسک عمومی «نوسازی» و «تطهیر» و همچنین سفره‌های هفت‌سین برای گرد هم آوردن خانوارها، فزوه‌ها، امشاسپندان و همین‌طور مشروعیت‌بخشی به نظام خویشاوندی به نمایش می‌گذاشت. به این ترتیب انسجام فرهنگی و سیاسی بسیار پر معنا و توان‌بخشی را برای تداوم جامعه چندفرهنگی، چندملیتی و گوناگون امپراطوری ایران به‌رغم تمامی سختی‌ها و مصائب ممکن می‌ساخت. از این رو نوروز را باید جشنی دانست که همواره سیاسی بوده و سیاسی نیز باقی ماند و دقیقاً به همین معنا ملی است. نوروز جشنی ملی است از این رو معاندان و ناسازگاران با فرهنگ ایرانی مانند اسکندر علی‌رغم برخورداری از قدرت نظامی نتوانست از این آیین برای خود بهره برد، زیرا نوروز نماد حاکمیت یک نظام

فکری و یک ایده سیاسی است. یعنی اتحاد و همبستگی ملت‌ها و اقوام گوناگون بر پایه مراسم آیینی تا حدی مشترک به مرکزیت قدرت سیاسی و فرهنگی که حافظ، ضامن و نگهدارنده صلح، پیروزی، برکت و پایداری و خوشبختی این اقوام و ملیت‌ها می‌باشد. (فکوهی، ۱۳۷۹: ۱۴۸-۱۴۹)

نوروز، اسطوره‌ها و تاریخ

جشن‌ها و ویژگی مشترک تمامی فرهنگ‌ها می‌باشند. در زبان ایرانی جشن یا «سین» از ریشه yaz به معنای ستایش، نیایش و پرستش ایزد است. در اصل جشن برپایی مراسم نیایش و سپاس به مناسبت یک پیروزی یا واقعه اجتماعی یا یک معجزه آسمانی است که برای اجتماع منافع دارد و همواره و همه‌ساله مراسمی برای نیایش و سپاس و همچنین بزرگداشت آن واقعه شادی‌ها، سرورها و آیین‌های خاص برگزار می‌شود.



نوروز، مهرگان و سده، سه جشن ملی ایرانی هستند که ریشه در هزاره‌های تاریخ این سرزمین دارند و یکی از دلایل ماندگاری این جشن‌ها به‌خصوص نوروز این است که جشنی ملی است. (مدرس‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۳۳-۱۳۴) این جشن هم متعلق به ایران آریایی و هم ایران اسلامی است. نوروز آیین کهنی است که در گذر هزاره‌ها در دوران‌های مختلف این سرزمین برترین نمادهای انسانی و فرهنگی را در خویش گنجانده و آنچنان در ناخودآگاه فرهنگی این سرزمین ریشه دوانده که هیچ برشی از تاریخ ایران، توان انحصار آن را ندارد.

زادگاه نوروز در اسطوره‌های مردم فلات ایران و سومر باستان و ایلام است. اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است. اسطوره راوی واقعه‌ای است که در زمان نخستین یعنی زمان شگرف بدایت همه‌چیز رخ داده است و حکایت از پا به عرصه وجود نهادن واقعیت دارد. اسطوره متضمن روایت یک خلقت است؛ تلاشی است برای بیان واقعیت‌های پیرامونی با امور فراطبیعی. به عبارت دیگر، اسطوره تلاش انسان برای ایجاد صلحی روحی میان طبیعت و خویش می‌باشد.

اسطوره نوروز به عنوان جشن آغاز سال در گستره وسیعی از میان دوران (سومر باستان، بابل و آشور) و ایلام و همین‌طور فلات ایران پیشینه داشت. در سرزمین سومر باستان جشن‌های آغاز سال با ازدواج مقدس در رابطه بود. گستره ارتباطی سومر و فلات ایران و هم‌نژاد بودن مردم این دو حوزه - به‌خصوص متفاوت بودن نژاد سومریان از بابلیان و آکدی‌ها - نه تنها به تأیید این نظریه باستان‌شناسانه یاری می‌رساند که سومریان از مناطق کوهستانی شمال میان رودان - زاگرس ایران - به دلتا کوچ کرده بودند بلکه ممکن است نوروز و جشن‌های اول سال را سومریان از داخل فلات ایران با خود به آنجا برده باشند. به هر صورت این جشن در اصل جشن بازگشت دموزی^۱ معشوق اینانا - ایزدبانوی حاصلخیزی، برکت و عشق و حیات - در سومر باستان بود. مرگ او مرگ جهان گیاهی و حیات مجدد او که با سعی، کوشش، اشک، آه و عزاداری و به‌خصوص اینانا صورت می‌گیرد، نماد حیات مجدد جهان و نباتات است. یعنی در

پی اشک‌های ریخته شده که نماد باران و نوعی جادوی باران‌آوری و آب بوده است ایزد به شهادت رفته از نو زنده می‌شد و با همسر زیبای خویش که خود ایزدبانوی آب و عشق و جنگ بود زندگی را تا سالی دیگر از سر می‌گرفت. در روز بازگشت دموزی - ایام نوروز - ازدواجی مقدس صورت می‌گرفت. از هزاره اول (پ.م) که میان رودان به سوی یکتاپرستی می‌رفت، مظاهر زمینی ایزدان یعنی پادشاهان به عنوان نماد برکت‌آوری هر سال مراسم ازدواج مقدس را به جا می‌آوردند و به دیدار بت اعظم در معابد می‌رفتند. در میان بومیان ایران نیز چنین عزاداری‌هایی پیش از نوروز وجود داشت؛ از طریق تاریخ بخارا می‌دانیم که عزاداری‌های سیاوشی به روزهای قبل از نوروز مربوط می‌شده است. اسطوره آسیای غربی دموزی در ایران به داستان سوگ سیاوش و بازگشت کیخسرو تبدیل گشته است. (بهار، ۱۳۷۶: ۱۷۰-۱۶۹)

برگزاری نوروز در آسیای غربی آیینی کهن و تقریباً عمومی در آغاز بهار بود که بیش از دو هزار سال قبل از ورود آریاییان به غرب آسیا پیشینه داشته است. در واقع آیین آغاز سال نو مربوط به جشن برکت‌بخشی و آغاز زندگی نباتی و حیات در روی زمین است. بعدها در ایران عصر هخامنشی که مالک و حاکم بر تمام این سرزمین‌ها بوده‌اند شاهان هخامنشی نقش و نماد این برکت‌بخشی و حیات‌بخشی می‌شوند یعنی شاه هخامنشی - داریوش - مظهر برکت‌بخشی بود و مراسم آن ایزد برکت بخشنده در عید نوروز در تخت جمشید برگزار می‌شد. شاه مظهر اهورامزدا بر روی زمین و بن‌مایه تخت جمشید مسأله عید برکت و مراسم برکت نوروزی بود. تخت جمشید مرکز فرهنگی امپراطوری بود که با مسأله برکت و نعمت که مسأله محوری آغاز سال نو فلات و میان رودان بوده و در واقع با همان مسأله اصلی و محوری آب و باروری و خشکی این سرزمین‌ها در ارتباط بود. این اسطوره امروزه تبدیل به آیین و جزئی از زندگی آیینی ما شده است. (همان: ۲۷۶-۲۷۵)

نقش اسطوره‌ای جمشید در پیدایش نوروز

در اسطوره‌های ایرانی پیشازرتشتی و در تاریخ حماسی و ادبیات ایران پایه‌گذاری نوروز به جمشید شاه اسطوره‌ای نسبت داده شده است. شخصیت جمشید که روزگار

حکمروایی او دوران بی‌مرگی و آرامش ایرانیان بود، چنان این جهانی است که به‌جای پذیرش فره پیامبری فره شهریاری را از خداوند طلب می‌کند تا به‌علاقه زمینی و این جهانی برسد. منصوب کردن تخت جمشید به جمشید پادشاه اسطوره‌ای - که البته هیچ پیوندی میان این دو نیست - به دلیل شخصیت حماسی و بسیار محبوب و برجسته جمشید در میان مردم این سرزمین بود. دست‌کم سابقه این باور به دوره ساسانی می‌رسد که در بُندهش به جایی به نام «وَرَجَمکرد»^۱ میان پارس و سرواگ^۲ در قسمت پایین کوه چمگان^۳ که همان مرودشت و پاسارگاد می‌باشد اشاره شده، برای شاهان هخامنشی ساختن بنایی با هدف مقدس برگزار کردن نوروز طبعاً در محلی مقدس بوده است (همان: ۱۷۸-۱۷۹). در ادبیات پارسی جشن نوروز را مانند بسیاری دیگر از آیین‌ها و رسوم و فرهنگ‌ها به نخستین پادشاهان نسبت می‌دهند، فردوسی، منوچهری، عنصری، بیرونی و... این جشن را به پادشاهی جمشید نسبت داده‌اند. (رجبی، ۱۳۷۵: ۳۶) بنیاد نهادن نوروز منسوب به جمشید پادشاه پیشدادی اسطوره‌ای ایران است. برپایی این جشن به مناسبت پیروزی جمشید بر دیوان و پس از آن برقراری آیین «داد» در میان مردم بوده است. او که پایه‌گذار تمدن، آبادانی، عدل، جاودانگی و تندرستی است بر دیوان و اهریمنان که مظهر قحطی، خشکسالی، مرگ، بیماری و آرز و افراط هستند پیروز شد و ایران را سرزمینی جاودان و پربرکت برای مردمش ساخت. در واقع نوروز جمشیدی عیدی همگانی است که برای مردم، داد، فراوانی، فناپذیری و حیات بی‌مرگ نباتات و آب‌های فراوان را به ارمغان آورد. پیوند جمشید (جم + شید) (شید = درخشان) و خورشید که در اسطوره‌های ایرانی مظهر عدل، داد، پیمان و اعتدال است، نشان‌دهنده معنای نوروز یعنی اعتدال خورشیدی و باززایی زمین پس از سرمای زمستان و برکت‌بخشی می‌باشد. جمشید در واقع اعتدال بهاری و بارآوری طبیعی را با آیین «داد» همراه کرد. در ادب پارسی بهار نماد عدالت و اعتدال است زیرا سرما و گرمای

1. war-jamkerd

2. sarwag

3. chamgan

سوزان که نماد ستم و بیدادگری و فسردگی و مرگ است در بهار وجود ندارد. جمشید عدل و داد را در میان مردم و در هنگامه اعتدال بهاری پایه گذارد. به دلیل چنین تقارن‌های خوشایندی در ذهن مردم ایران سرزمین جمشید فراموش نشدنی است. (برومند، ۱۳۷۷: ۲۰۰-۱۹۹ و ۲۵۵)

در ادبیات ایران آنچه منسوب به پایه‌های بنیادین نوروز است با عناصر دیگری نیز همراه است و آن بنیادهای جامعه و فرهنگ مدنی است که در نوروز بنا نهاده شده و پدیدآورنده فرهنگ مدنی جمشید بوده است. جمشید، رام‌کننده حیوانات، حفرکننده چاه و قنات، پایه‌گذار آبادانی زمین، کاشف شکر، پایه‌گذار معماری و استفاده از فلزات، بنیان‌گذار گرمابه و بهداشت، دادوستد و اوزان رسمی و شهرسازی جام جهان‌نما و عدالت و دادگستری و بار عام دادن و به محکمه نشستن و... می‌باشد. (قریب، ۱۳۷۹: ۶۸-۶۷)

نوروز آیینی کهن و دربردارنده مضامین زندگی‌ساز، خوشایند و مقدس انسانی است. از طرفی جشن تجدید حیات طبیعت، برکت و باروری است که از این جنبه سابقه آن به دست‌کم دو هزار سال پیش از ورود آریاییان می‌رسد. آیینی است که در فلات ایران، سومر و بسیاری از ملل تابعه بعدی امپراطوری هخامنشی رواج داشته و در اسطوره‌های ایرانی صورتی دیگر یافته و رنگ‌وبوی ایرانی و ملی در قالب اسطوره سیاوش (شاهزاده شهید) و کیخسرو که اسطوره صلح، نظم، داد و پایان‌دهنده آشفتگی دوران کاووس در ایران است به خود گرفته و از این طریق توانسته پیوند خود را با آیین‌های برکت‌آوری و نظم و اعتدال در غرب ایران حفظ کند.

علت ماندگاری نوروز

نوروز آنچنانکه همه می‌دانیم یکی از دیرپاترین آیین‌های سرزمین ایران است، آیین کهنی که در هزاره‌های تاریخ این سرزمین شاید به شیوه‌های تا حدی متنوع و گوناگون اما همیشه با معناهای بنیادین پایدار و غیر قابل تغییر دوام آورده و نه تنها رنگ هیچ مرام و مسلک سیاسی به خصوص یا نژاد و اقلیت واحدی را به خود نگرفته بلکه بر تمام اقوام این سرزمین و مرام‌ها و مسلک‌ها تأثیری به‌سزا

گذاشته است. اما رمز جاودانگی نوروز در چیست؟ بی‌شک باید آن را در پیام نوروز جست‌وجو کرد که در گذر زمان همچنان به گوش می‌رسد و بر جان و روان می‌نشیند تا به اجرا درآید. پیام نوروز پیوسته آفریده شدن و تحول یافتن است و به جمال و جلال دست یافتن. نوروز آیینی برای حرمت نهادن به زندگی است، یعنی گردش و پویایی طبیعت. شاید از همین روست که معاندان هویت ایرانی در طول تاریخ، بیش از هر آیینی با نوروز و مراسم وابسته به آن عناد ورزیدند، زیرا ستون خیمه این هویت است و می‌دانستند که ایران بی‌نوروز معنایی نخواهد داشت و می‌دانستند که نوروز پیام شادمانی و زنده بودن است و شادی و پویایی بنیان‌های سازنده آزادی و آزادگی هر فرد ایرانی است. حضور آیین‌هایی که شادی را ندا می‌دهند (شادی مبتنی بر اندیشه و پاسداشت زندگی) سازنده آزادی یک ملت هستند و همچنین نشانی از به چالش کشاندن بحران‌های محدودیت‌آور. نوروز به انسان ایرانی گوشزد می‌کند که حقیقت در حرکت و تغییر است نه در سکون و تغییر یعنی به کمال رسیدن یعنی خود را پیوسته آفریدن و دیگر شدن و تحول‌پذیری. جاودانگی نوروز در سودمندی آن برای انسان خواهان شادی، پویایی و زندگی و سرافرازی است و به همین دلیل در طول تاریخ ایران برای تمام اقوام ایرانی جاذبه و کششی غیر قابل انکار داشته و خواهد داشت. (بقایی، ۱۳۸۵: ۲۷۱-۲۷۰)

از طرف دیگر مسأله زایش و آفرینش، نوزایی و نوبودگی، رستن و برخاستن، انباز شدن با آهنگ هستی، انس و عشق و همدلی با روح زندگی، با جان آفرینش و ایمان ورزیدن و امیدوار بودن به راز و روح چنین حقیقتی چیزی نیست که آسان بشود ریشه‌های آن را از «هستی‌شناسی» هیچ عصری و هیچ مردمی برکند و برافکند. زیرا این ارزش‌ها که بنیان‌های معنا بخش آیین نوروزند در ذات انسان بودن آدمی است و اساساً انسان بدون چنین موهبتی یا چنین قوه و قابلیت، قابل تصور نیست. بی‌سبب نیست که در میان همه آیین‌ها و جشن‌های کهن ایرانی، آیینی را سراغ نداریم که ژرف‌تر، زنده‌تر و حقیقی‌تر از نوروز بر احساس، اندیشه و روح آفرینندگی ایرانیان تأثیر نهاده و مایه و منبع الهام قرار گرفته باشد.

آیین نوروزی میراث «هستی‌شناسی» زنده و عمیقاً انسان‌وارانه و طبیعت‌گرایانه کهن

این سرزمین است. در «هستی‌شناسی» کهن همواره الوهیت و انسانیت یا خداوارگی و انسان‌وارگی سنت به هم در می‌پیچند. هر تجلی وجودی^۱ صورت و جلوه‌ای از تجلی الهی^۲ است. ظهور و زایش، آفرینش و تجلی به موازات آنکه خود را به هم می‌تابانیدند انسان نیز با تمامیت هستی انسانی خویش در کار آفرینش، در زایش و ظهور هستی و نو شدن دم‌به‌دم حیات، خود را سهم می‌یافت و نوعی هم‌نوایی، همدلی و هم‌آوایی بین احساس، اندیشه و روح او با روح هستی برقرار می‌بود آنچنان که یکی در آینه دیگری خود را باز می‌یافت. (ملاصالحی، ۱۳۷۹: ۷۸ و ۸۲-۸۱)

نمادهای دینی نوروز

پس از آنکه ایرانیان دین مبین اسلام را پذیرفتند، آداب نوروزی را همچنان حفظ کردند و به تدریج به آن جامه اسلامی پوشاندند. احادیث و اخباری را از زبان ائمه و فقهای شیعه در فضیلت روز نوروز نقل شده است و احکامی را برای نماز، روزه، غسل و دعا به آن افزوده شده است. حضور قرآن کریم در سفره هفت‌سین و قرائت آن در هنگام تحویل سال، دعای مخصوص سال تحویل (یا مقلب القلوب...)، استغفار از گناهان، حضور در اماکن متبرکه مانند بارگاه امام رضا(ع)، حضرت معصومه، حضرت عبدالعظیم، حضرت شاهچراغ و امامزاده‌ها و غسل و پاکیزه کردن بدن همگی از نمادهای دینی نوروز هستند.

توجه شعائر اسلامی به نوروز و تطبیق آن با شرایط امروزی باعث شده تا این آیین تبدیل به آیینی روحانی و دینی شود و فضای حاکم بر جامعه در زمان تحویل سال، ملکوتی گردد. به همین دلیل هم در مناطق مختلف برای هر کدام از آیین‌ها ریشه‌ای دینی در نظر گرفته و به آن قالبی مذهبی داده شده است. مثلاً در ترانه‌های نوروزی گیلان پدیده‌های طبیعی مقدس با معتقدات مذهبی شیعه در آمیخته است مانند ترانه

1. ontophany

2. theophany

نوروزی که با یاد «دوازده امام» شیعیان آغاز و با وصف «نوروز» و «نوسال» پایان می‌یابد یا قرائت هفت سوره یا هفت آیه از قرآن که با کلمه «سلام» آغاز می‌شود و این اعتقاد وجود دارد که قرائت این آیات، آفت‌ها و بلاهای آسمانی و زمینی را از محیط خانه و خانواده دور می‌کند و سلامت و آرامش را در سال نو به خانه می‌آورد (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۷۷) همچنین، در اردبیل این باور بین مردم شایع است که در نخستین روز سال نو، امیرالمؤمنین بر تخت سلطنت جلوس کرده و به همین مناسبت در این روز نو، شربت‌های شیرین و گوارا بجای آب در جوی‌های بهشت روان می‌شود و در حرم قدس الهی دوستاناران علی (ع) و یاران حسین (ع) و دیگر پیشوایان دینی شادمانی می‌کنند. (عناصری، ۲۰/۱/۸۶: ۲)

علاوه بر رواج این مفاهیم و رسوم دینی در آیین نوروز و در میان فرهنگ عامه، کتاب‌های معتبر فقهی و مذهبی هم این احکام و آداب را با شکل و محتوایی کاملاً مذهبی بیان کرده‌اند مانند اشاره به نوروز و احکام آن در کتاب‌های چهارگانه شیعه (کافی شیخ کلینی، من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، تهذیب الاحکام و الاستبصار شیخ طوسی) که اعتبار و ارزش بالایی در میان فقهای شیعه دارند. روایت معلی بن خنیس از قول حاج شیخ عباس قمی که اعمال عید نوروز را بنا بر تعلیم امام جعفر صادق (ع) در مفاتیح‌الجنان بیان می‌کند هم روایت مشهور دیگری است که در اغلب کتاب‌های دینی به آن اشاره شده است. در این روایت حضرت اعمال این روز را چنین می‌فرمایند: «چون نوروز شود غسل کن، پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را بپوش به بهترین بوهای خوش خود را خوشبو گردان، در آن روز روزه‌دار، چون از نماز پیشین و پسین و نافله‌های آن فارغ شوی چهار رکعت نماز بگذار یعنی دو رکعت به یک سلام و در رکعت اول بعد از حمد ده مرتبه سوره «انا انزلنا» بخوان و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه «قل یا ایها الکافرون» و در رکعت سوم بعد از حمد ده مرتبه سوره «قل هو الله احد» و در رکعت چهارم بعد از حمد ده مرتبه «قل اعوذ برب الفلق» و «قل اعوذ برب الناس» بخوان و بعد از نماز به سجده شکر برو و دعا بخوان.

نوروز و اتحاد ملی

اعیاد و جشن‌های ملی از نمادهای همبستگی ملی محسوب می‌شوند. مردم ایران با مشارکت در جشن نوروز به تأسی از آداب و رسوم کهن، همدلی و هم‌اندیشی خود را به گونه‌ای نمادین به نمایش می‌گذارند و از این طریق حداقل سالی یک بار پیوند و پیمان خویش را با نیاکان، خویشان، میراث‌های کهن، روح جمعی و هم‌وطنان خود تجدید می‌کنند و به حفظ میراث‌های خود جان تازه‌ای می‌بخشند. آینده فرهنگ و تمدن ایرانی نیز به تقویت یا تضعیف عناصر فرهنگی آن در پهنه جغرافیایی‌اش بستگی دارد. تداوم پذیرش فرهنگ ایرانی، تنها در صورتی در مرزهای داخلی و حوزه‌های فرهنگ خارج از ایران موفق خواهد بود که ما عملاً به عوامل همبستگی فرهنگی و تمدن ایرانی خود احترام گذاشته و روابط داخلی و به تبع آن خارجی خود را بر این اساس تنظیم کنیم. فرهنگ ایرانی با حلقه‌های پیونددهنده‌ای که مؤثرترین آنها آیین‌های ملی هستند، احساس تعلق فرهنگی مشترکی را در خرده‌فرهنگ‌های ایران به وجود می‌آورد. این فرهنگ ملی یعنی نوروز در همه خرده‌فرهنگ‌ها و موقعیت‌های اقلیمی متفاوت پیوسته شناور و در جریان بوده و حلقه‌های اتصال و همبستگی آنها را فراهم ساخته است. (صنیع اجلال، ۱۳۸۴: ۶۹) یکی دیگر از کارهای عمده آیین‌ها و به‌خصوص نوروز ایجاد وفاق و همبستگی در سطوح مختلف از خانواده، روستا، محله و شهر و کشور تا حوزه‌های جغرافیایی فراتر از آن است.

سنت‌هایی چون دید و بازدید نوروزی می‌توانند یادآور و تقویت‌کننده بحث‌های صله ارحام و از حال یکدیگر با خبر شدن و در صورت وجود مشکل به یاری هم شتافتن باشد که در دین مبین اسلام بر رعایت و انجام آن تأکید شده است. رعایت این اصول می‌تواند در تقویت همبستگی و وحدت بین افراد، نقش مهمی را ایفا نماید.

نوروز از اجزا و کلیت خود دارای کارکرد نیرومند وفاق است. باورها و رفتارهای آیینی در سنت‌های نوروزی معمول در گوشه و کنار سرزمین‌های پهناور در حوزه نوروز همه سرشار از عناصری است که مهرآفرین و آشتی‌سازند و نوروز در کلیت خود پرچم بلند وحدت و همبستگی است که در سرآغاز هر سال و هر بهار بر بلندای روابط دیرین سال مردمان این سرزمین برافراشته می‌شود. نوروز به خاطر مبانی اعتقادی همه‌گیر و انسانی‌اش که تعلق به هیچ قوم، آیین و دینی ندارد ماهیتی وحدت‌آفرین در

سراسر پهنه ایران فرهنگی دارد. (میرشکرای، ۱۳۷۹: ۷۰)

نوروز کوشش ایرانیان برای همزیستی آشتی‌جویانه جوامع بشری است. نوروز با شرکت همه مردمان و با شادی و سرور دسته‌جمعی و همگانی برگزار می‌شود و مفهومی به نام «اقلیت» در فرهنگ نوروزی جای ندارد. نوروز از ارکان هویت ایرانی است و رمز ماندگاری آن را باید در آیین‌های اندیشمندانه‌اش جست‌وجو کرد. آیین‌هایی که زنگ از دل‌ها می‌شوید و در میان مردمان گرمی و مهربانی پدید می‌آورد و به دیدارها لذت می‌بخشد، میثاق‌ها را استوار می‌کند و تازگی به ارمغان می‌آورد. نوروز ندای شادی و ویرانگر غم و اندوه است. ایرانیان برای شادی ارزش بسیار قائل بودند و به همین جهت هر رویدادی را عاملی برای مفرح ساختن زندگی قرار می‌دادند.

نوروز در خارج از مرزها

نوروز آیینی است ایران‌گیر و پیوندگر که امروزه در محدوده جغرافیایی فلات ایران یعنی در کشورهای ایران، آذربایجان، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، قرقیزستان و بخش‌های کردنشین کشورهای عراق، ترکیه و سوریه در روز ۱ فروردین (۲۱ مارس) هر ساله برگزار می‌شود. همچنین در زنگبار (تانزانیا) واقع در آفریقای شرقی که در قدیم سکونتگاه ایرانیان مهاجر بوده نیز رواج دارد. آیینی است کهن که در گستره جغرافیایی جهان ایرانی از غرب چین تا آناتولی از شبه‌قاره هند و افغانستان در شرق تا میان رودان در غرب و از سین‌کیانگ و آسیای مرکزی در شمال‌شرق تا دامنه‌های شمالی قفقاز بزرگ در شمال و آسیای صغیر در شمال‌غرب را در بر می‌گیرد که همه اینها دورتادور ایران‌زمین را به‌عنوان خاستگاه تمدن ایرانی در بر می‌گیرند. (امیراحمدیان، ۱۳۸۵: ۱۶)

همچنین نوروز تجلی‌گاه یگانگی، هم‌اندیشی و هم‌کنشی ایرانیان در دورن و برون مرزهای ایران‌زمین است. از کناره‌های کالیفرنیا در آمریکا تا سیدنی در استرالیا با گذر از قاره‌های اروپا و آسیا به‌رغم تفاوت‌های مکانی، در زمان واحد و در آیین یگانه‌ای، ایرانیان به افق تهران همانند قبله ملی ایران با سرور به استقبال نوروز می‌روند و آرزوهای مشابهی برای سلامت و سعادت و سرافرازی خود و همگان خویش در دل

می‌پروراندند. با چنین کارکردی نوروز از روزگاران کهن پیوندگر افراد و اقوام ایرانی بوده و اینک نیز هم به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ ملی و منطقه‌ای عامل همبستگی ملی اقوام تشکیل‌دهنده ملت و نیز بستر پیوستگی فرهنگی ملل همجوار و هم‌مرز ایران به شمار می‌رود و به نقل از دکتر ایرج وامقی: ایران آنجاست که نوروز هم هست. این آیین کبیر نه تنها نقش بزرگی در هویت و همبستگی جامعه امروز ایران ایفا می‌کند بلکه می‌تواند رشته پیوندی بین همه کسانی باشد که خارج از مرزهای جغرافیایی ایران امروز به نوروز عشق می‌ورزند و آن را اجرا می‌کنند چراکه فرهنگ مشترک و نمادهای اسطوره‌ای بیشترین نقش را در همبستگی ملت‌ها ایفا می‌کنند. (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۷۸-۷۷ و نقیب‌زاده، ۱۳۸۵: ۳)

نتیجه‌گیری

آیین‌های همگانی و ملی بیشترین نقش را در حفظ هنجارهای فرهنگی و انسجام اجتماعی و نظم در یک جامعه چندفرهنگی و چندقومی دارند. در ایران در رأس آیین‌های ملی ما، آیین‌های نوروز قرار گرفته است. نوروز سلسله‌جنبان هویت ایرانی است. بنابراین سعی در کم‌رنگ کردن و یا زدودن آیین‌های نوروزی ناشی از ناآگاهی تاریخی و اجتماعی و کاری بس خطرناک است. مقابله با میراث فرهنگی یک ملت راه به جایی نخواهد برد زیرا اسطوره‌های ملی را نمی‌توان از میان برداشت و یا تأثیر آن را از بین برد بلکه باید در حفظ آنها کوشید تا از نیروی درونی‌شان برای وحدت ملی بهره برد. اگر می‌خواهیم از محدوده سرزمین به نام ملت دفاع کرده و آن را حفظ کنیم باید به سنت‌ها و باورهای آن سرزمین که سنت‌های ملی است و ملت به آن وابسته است، احترام بگذاریم. ماندگاری و پایداری آیین نوروز در بین همه اقوام ایرانی در چند هزاره نشان می‌دهد که این آیین مورد قبول تمام مردم ایران از هر آیین و قوم و دین می‌باشد.

خرمداندانی که درباره سرنوشت بشر با دلسوزی و احساس مسئولیت اندیشیده‌اند، جز اتحاد و یگانگی شریف و والای انسان‌ها با اتکا به آیین‌های انسانی و زندگی‌ساز،

آیین‌های نوروزی و همبستگی ملی ❖ ۱۷

برای هستی خوش همگان بر روی زمین چیز دیگری نمی‌خواهند. در آداب نوروز ایرانی این هدف والا بیانی زیبا و نمادین دارد. در این یگانگی که هم‌آوازی با طبیعت بیان غنی و جاندار آن است، دور انداختن کهنه‌های بی‌حاصل، زدودن خستگی و افسردگی، هدیه دادن، برپا کردن خانه‌های شادی بر فراز گذشته هرچه که هست، شیوه‌ها و پنداری کهن است که همواره نوترین‌ها نیز هست و خواهد ماند. (مزدآپور، ۱۳۷۹: ۱۱۷)



فهرست منابع

- ۱- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۵) «نقش نوروز در بازسازی حوزه تمدن و نفوذ ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲.
- ۲- بقایی (ماکان)، محمد (۱۳۸۵) تصحیف غرب زدگی، در جست و جوی هویت ملی، تهران: نشر نامک.
- ۳- برومند سعید، جواد (۱۳۷۷) نوروز جمشید: پژوهشی نوین از پیدایی نوروز، تهران: توس.
- ۴- بلوکباشی، علی (۱۳۸۰) نوروز جشن نوزایی آفرینش، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۵- بهار، مهرداد (۱۳۷۶) از اسطوره تا تاریخ، تهران: نشر چشمه.
- ۶- رجبی، پرویز (۱۳۷۵) جشن های ایران، تهران: نشر فرزین.
- ۷- روح الامینی، محمود (۱۳۷۶) آیین ها و جشن های کهن در ایران امروز، تهران: نشر آگه.
- ۸- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰) ناسیونالیسم و هویت ایرانی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران.
- ۹- صنیع اجلال، مریم (گردآوری) (۱۳۸۴) فرهنگ و هویت ایرانی، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
- ۱۰- عناصری، جابر، پیک های نوروزی، تهران: اداره فرهنگ عامه، ۸۶/۱/۲۰.
- ۱۱- فکوهی، ناصر (۱۳۷۹) «نگاهی انسان شناختی به اسطوره شناسی سیاسی جشن نوروز» مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز، گروه مردم شناسی آیینی پژوهشکده مردم شناسی، تهران، ناشر: سازمان میراث فرهنگی کشور، پژوهشکده مردم شناسی.
- ۱۲- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۹) «نوروز جشن بازگشت به زندگی، جشن آفرینش و جشن تجلی عناصر فرهنگ مدنی»، مجموعه مقالات همایش نوروز، سازمان میراث فرهنگی.
- ۱۳- مزدپور، کتایون (۱۳۷۹) «آتش افروزی در نوروز»، مجموعه مقالات نخستین

همایش نوروز، سازمان میراث فرهنگی.

۱۴- ملاصالحی، حکمت‌ا... (۱۳۷۹) «نوروز آیین جهان‌شمول زایش و رویش و رستاخیز» مجموعه مقالات نخستین همایش نوروز، سازمان میراث فرهنگی.

۱۵- مدرس‌زاده، مریم (۱۳۷۹) «عید نوروز در فرهنگ اسلامی و آیین‌ها و اساطیر ایران» مقالات نخستین همایش نوروز، سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۶- میرشکرایی، محمد (۱۳۷۹) «نوروز وحدت ملی و همبستگی منطقه‌ای»، مقالات نخستین همایش نوروز، سازمان میراث فرهنگی کشور.

۱۷- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵) «نوروز سیاست و روابط بین‌الملل، قدرت نامرئی»، همشهری دیپلماتیک، شماره ۱۲.

